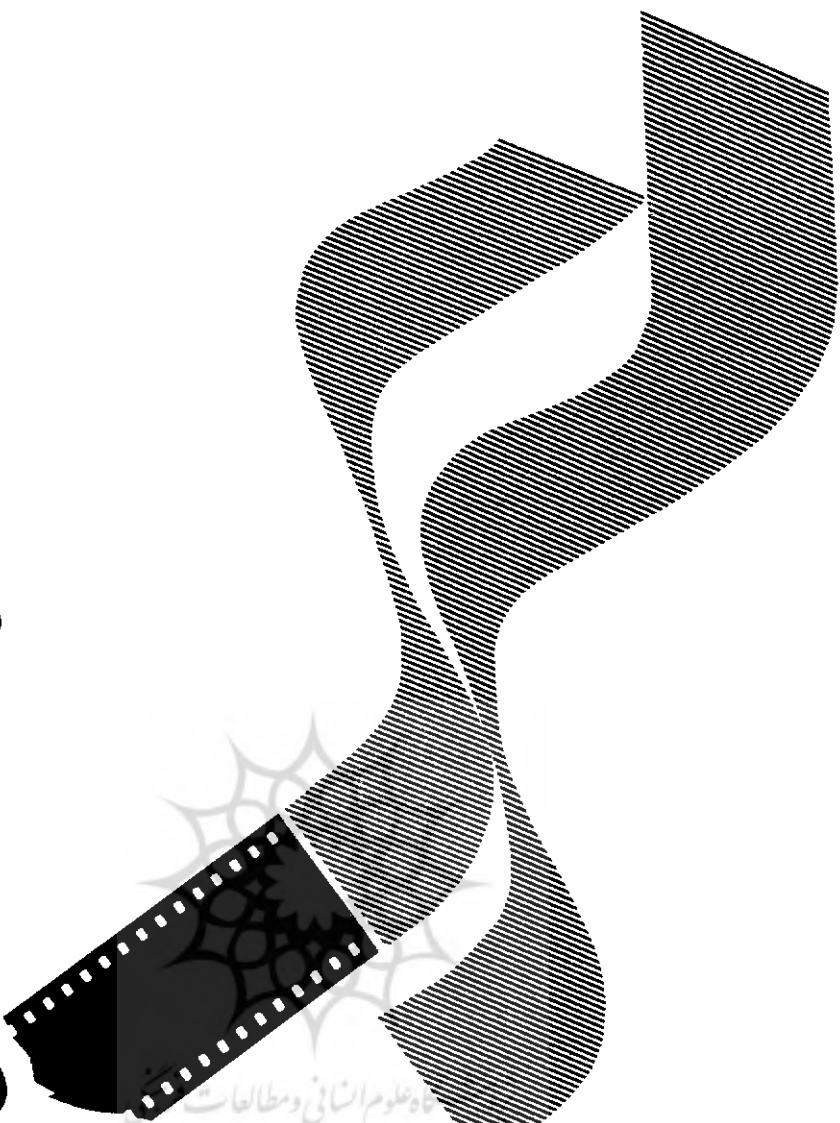


تاثیرات متقابل تلویزیون و سینما

محمد مهدی عسگری پور



ماه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

□ در این چند صفحه سعی شده است که تأثیرات متقابل تلویزیون و سینما بر یکدیگر تا حدودی مورد بررسی قرار گیرد. البته در این خصوص تاکنون کاری مستقل در ایران نشده است، لذا بدیهی است برای نگاشتن در این باره بایسد بسراغ کتب و مقالات خارجی رفت و شاید گریزی هم از این مسئله نباشد چرا که این دو رسانه (تلویزیون و سینما) هر دو محصول جوامع غربی اند و طبیعتاً همان متفکران

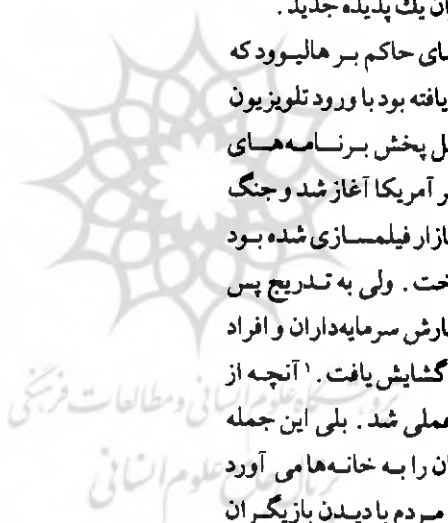


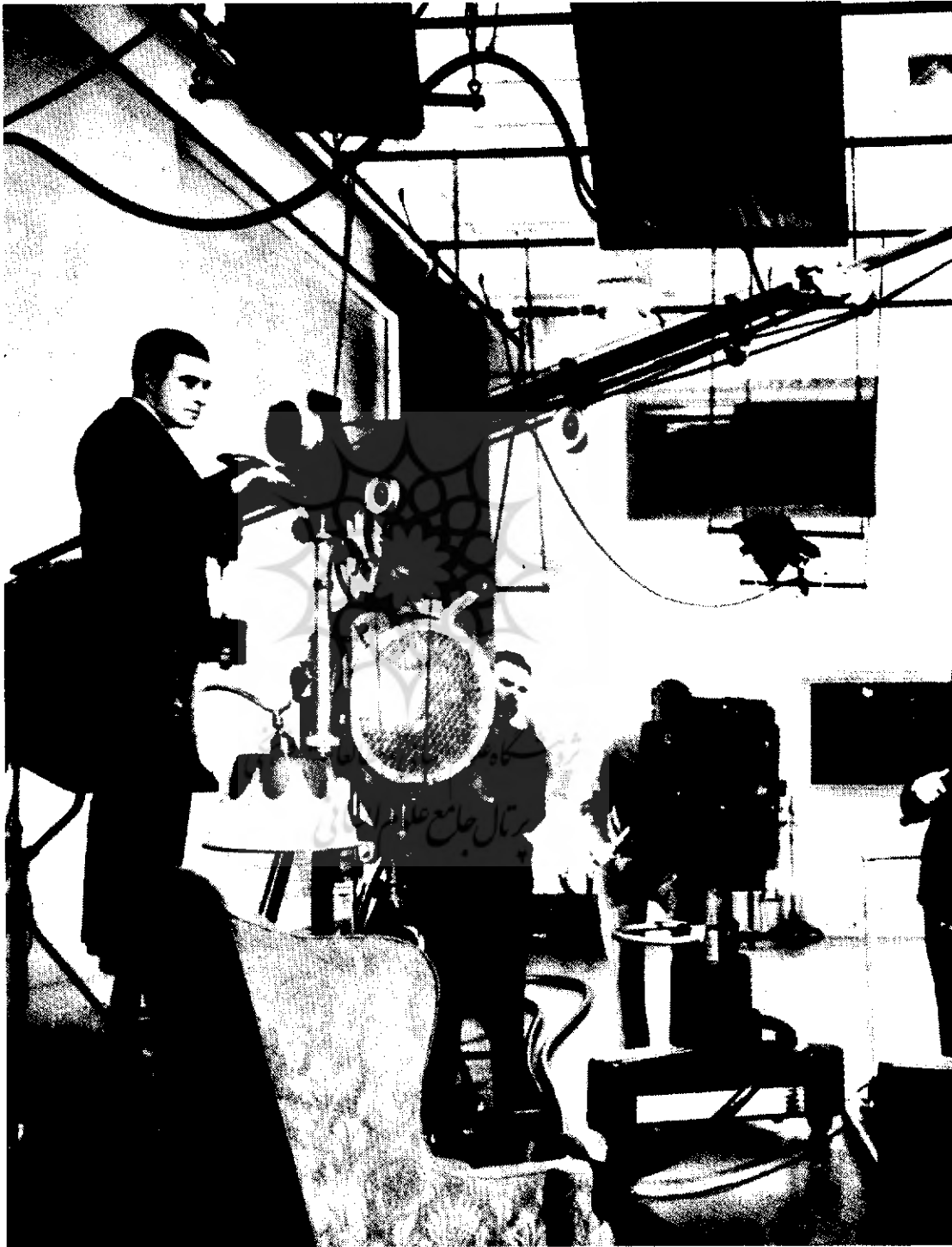
غربی اند که باید اولین تحلیل ها و تعاریف را ارائه دهند و ما هم احتمالاً از آنچه که آنان اعلام داشته اند برداشتهایی داشته باشیم .

ناگفته نماند که در مورد تأثیر این دورسانه بر همدیگر به اعتباری می توان گفت که در همه جا تقریباً به يك شکل است . از این رو برای سهولت کار بهتر است ابتدا به بررسی تأثیر گذاری این دورسانه بر یکدیگر در همان جوامع غربی پرداخته شود . البته در انتها نگاهی به آنچه که در ایران گذشته خواهیم داشت .

۱- پیدایش تلویزیون بعنوان يك پدیده جدید .

در اوایل سالهای چهل فضای حاکم بر هالیوود که تازه تسلطی در سراسر جهان یافته بود با ورود تلویزیون تیره گشت . در همان اوایل پخش برنامه های آزمایشی تلویزیون در سرتاسر آمریکا آغاز شد و جنگ جهانی دوم که موجب رونق بازار فیلمسازی شده بود پیشرفت تلویزیون را کند ساخت . ولی به تدریج پس از جنگ جهانی دوم بنا به سفارش سرمایه داران و افراد دست اندرکار مراکز جدیدی گشایش یافت .^۱ آنچه از تلویزیون انتظار می رفت عملی شد . بلی این جمله ژان کازنوو که تلویزیون جهان را به خانه های آورد به حقیقت پیوست .^۲ بتدریج مردم با دیدن بازیگران جدید در تلویزیون گرایش کمتری به سینما رفتن نشان دادند . بهر حال خواه ناخواه تلویزیون تأثیرات خود را شروع نمود و سینما که تازه جایی برای خود در جامعه باز کرده بود سیر نزولی خود را شروع کرد . البته دلیل توجه مردم به این اختراع جدید فقط دیدن بازیگران جدید نبود بلکه چیزهای دیگری نیز دخیل بود ، بطور مثال می دانیم که مشتری سینما که برای تهیه بلیط پول پرداخته و به خود زحمت آمدن به سینما را داده ، در محیطی نا آشنا قرار گرفته که باید در آن سکوت را مراعات کند و به دقت نگاه کند . حال آنکه





CBS NEWS

VPA ESTIMATE...

CALIFORNIA
FOR
JOHNSON

طرفی در رقابت با تلویزیون نیز نتیجه‌ای عایدشان نمی‌شد جز شکست لذا همزیستی مسالمت آمیز را با رقیب سرسخت خود آغاز نمودند. در ضمن تلویزیون هنر جدیدی عرضه نمی‌کرد و شکل هنری مشخص و ممتازی بدست نمی‌داد و شخصیتها و روشها و مواد کار خود را از تئاتر، سینما و رادیو بدست می‌آورد. لذا دست اندرکاران سینما از همین مسأله استفاده نمودند و دقیقاً این آغاز همان همزیستی مسالمت آمیز بود. البته ناگفته نماند که شرکتهای فیلمبرداری ابتدا قصد نبرد داشتند و قسمتی از فیلمهای سینمایی را که قبل از سال ۱۹۴۸

تماشاگران تلویزیون آسایش بیشتری دارد و در منزل خودش با خانواده یا دوستانش است و ترس از مکالمه با آنها را ندارد. ممکن است که در تماشا بی دقت هم باشد. ۳ مسائلی از این قبیل که مختص به آن زمان و بروز تأثیرات تلویزیون بر سینما نیست بلکه از خصوصیات اصلی این دورسانه است، دست به دست هم داد تا مردم بیشتر مجذوب این پدیده جدید بشوند. در این زمان دست اندرکاران سینما متوجه خطر جدی تلویزیون شدند و نمی‌توانستند ساکت نشسته و شاهد زوال سینما و دسترنج خودشان باشند. از

ساخته شده بود به تلویزیون فروختند. آنکه حالت توجه اینکه در سالهای اولیه ظهور تلویزیون بازیگران و ستاره‌های سینما حق ظاهر شدن بر پرده تلویزیون را نداشتند.^۵ ولی در بخشهای بعد خواهیم دید که این مبارزه توانست زمان زیادی طول بکشد و به عبارتی چیزی جز زیان عاید شرکت‌های فیلمسازی نشد و آنهم دقیقاً بدلیل همان مسائلی بود که ذکر شد، یعنی جذابیت تلویزیون از جنبه‌های مختلف.

۲- رو آوردن مردم به تلویزیون

پس از ظهور فیلمهای سینمایی و کلاسیک در صفحه تلویزیون تماشاچیان دیگر مجبور نبودند برای دیدن یک فیلم و گذراندن اوقات به خارج از خانه بروند، بلکه این خارج از خانه بود که به نزد آنان می آمد.

می دانیم که سینما در سالی به نمایش در می آید که در آن افراد برای تماشاگر می آیند و تصاویر نورانی را در تاریکی می نگرند. تلویزیون بالعکس در خانواده و در محلی از یک اتاق دیده می شود که افراد بیننده آن که خانواده‌ی را تشکیل می دهند، در آن زندگی می کنند. این افراد که از سنین و جنس های مختلف هستند تصاویر تلویزیون را در محیط روزمره و خصوصی خود دریافت می دارند. در همان هنگام که برنامه‌ها در سالن یا آشپزخانه و زیر نور چراغ پخش می شود اعضای خانواده می توانند کارهای دیگری انجام دهند. در سینما داستانهایی فرضی، تاریخی یا معاصر، به نمایش در می آید و تماشاگر پیوسته میدانند در نمایشی حضور دارد که قبل از آنکه برایش نمایش دهند روی آن کار شده است، در حالیکه در تلویزیون لزوماً اینطور نیست.^۶

صفحه تلویزیون در تمام موارد تماشاگر را محدود نمی کند در حالیکه در سالن سینما افق دید او تحت

در سالهای اولیه ظهور تلویزیون بازیگران و ستاره‌های سینما حق ظاهر شدن بر پرده تلویزیون را نداشتند.

«جایی که سقوط سینما شدیدتر بوده جایی است که تعداد تلویزیون از همه جای بیشتر بوده است.»

تسلط فیلم قرار دارد.

بهر لحاظ نمودار بریده شدن مردم از سینما و رو آوردن به تلویزیون تا مدتها سیر صعودی را به سود تلویزیون نشان می داد که البته همینطور هم باقی نماند که دلایل آن بطور اختصار در بخشهای بعدی خواهد آمد.

ناگفته نماند که رو آوردن مردم به تلویزیون مقدم بر برهه خوراک دهی سینما به تلویزیون نیست و ضمن اینکه پس از آنهم نیست و این دو تقریباً همزمان حادث شدند ولی در این جایکی راز و دتر مطرح نمودیم.

در این قسمت به ذکر آمارهایی از چند کشور در خصوص این مسئله یعنی سنگین شدن کفه ترازو بسود تلویزیون می پردازیم.

آمریکا

ژاپن

سال	تعداد سینماها	تعداد تماشاگران در هفته	تعداد فیلمها
۱۹۴۶	۱۹۰۰۰	۸۲ میلیون (بلیط)	۳۰۰
۱۹۵۵	۱۴۰۰۰	۴۶ میلیون	۶۰

سال	تعداد بلیط های فروخته شده	تعداد فیلمها
۱۹۶۱	۸۳۰ میلیون	۵۳۵
۱۹۶۲	۶۷۰ میلیون	۲۷۵

در سال ۱۹۵۹ تعداد تماشاچیان به ۴۲ میلیون (بلیط) در هفته می رسد.

که در این فاصله (یعنی یکسال) تعداد ۱۰۰۰ سالن سینما از تعداد کل کم شده است.



تا اینجا متوجه شدیم که هر ساله هم از تعداد تماشاگران کاسته میشود، هم از تعداد فیلمهای تولید شده و هم از تعداد سالنهای نمایش در مجموع.

بنابر این می توان چنین اظهار داشت: «کاهش عمومی رفتن به سینما به ازدیاد تعداد گیرنده های تلویزیون بستگی دارد.»

در اینجا هم آماری از افزایش تعداد گیرنده های تلویزیون و کاهش تماشاگران سینما داریم که مطلب را تا حدودی روشن می سازد.

انگستان

سال	تعداد بلیط های فروخته شده
۱۹۵۵	۱۴۵۰ میلیون
۱۹۵۸	۷۵۰ میلیون
۱۹۶۱	۴۴۹ میلیون
۱۹۶۲	۴۱۵ میلیون

که در این فاصله هم ۱۰۰۰ عدد سالن سینما کم شده است.

مجموعاً تماشاگران سینما در اروپا که در سال ۱۹۵۵ تعدادشان به ۴۷۵۰ میلیون نفر میرسد در سال ۱۹۶۲ علیرغم ۷ درصد رشد جمعیت به ۲۷۴۰ میلیون نفر رسید.

آمریکا

سال	تماشاگران سینما	تعداد تلویزیون ها
۱۹۵۲	۱۳۱۲ میلیون (بلیط)	عدد ۱۸۹۳۰۰۰
۱۹۵۴	۱۲۷۶ میلیون (بلیط)	عدد ۴۲۰۰/۰۰۰
۱۹۵۶	۱۱۰۰ میلیون (بلیط)	عدد ۱۳۰۰۰/۰۰۰

سال	تماشاگران سینما	تعداد تلویزیون ها
۱۹۵۷	۴۱۱ میلیون (بلیط)	۶۰۰/۰۰۰ عدد
۱۹۵۸	۳۷۱ میلیون (بلیط)	۱۰۰۰/۰۰۰ عدد
۱۹۶۶	۲۳۲ میلیون (بلیط)	۷/۵۰۰/۰۰۰ عدد

وبالاخره در

در مجموع نتیجه گرفته میشود که «جایی که سقوط سینما شدیدتر بوده جایی است که تعداد تلویزیون از همه جا بیشتر بوده است.»

به علاوه این نتیجه حاصل شده که آنهایی که بیش از همه سینما می رفته اند زودتر از همه نیز تلویزیون خریده اند.

دوستاناران و فریفتگان سینما شیفته ترین تماشاگران تلویزیون شده اند.

تلویزیون با سینما به رقابت برخاسته است، روزی که در سانفرانسیسکو اولین پخش مستقیم جهانی از طریق ماهواره انجام شد، سینماها کاهش فروشی برابر ۵۰ درصد را نشان دادند. حتی در يك سینما فقط پنج تماشاگر حاضر شدند و در چهار شی که مبارزه انتخاباتی کندی و نیکسون از تلویزیونها پخش می شد تماشاگران تئاترها و سینماهای آمریکا ۸۰ درصد کاهش یافتند.^۹

هر مجموعه تلویزیونی که با استقبال شدیدی روبرو میشد بر کاهش فروش بلیط سینماها تأثیر مستقیم داشت.

از طرفی طی آماری که گرفته شده بود اینچنین اعلام شد که «بطور کلی مردم سینما را دوست دارند، آن را بر تلویزیون ترجیح می دهند، اما در خانه

می مانند که فیلمهای سینما را بر صفحه تلویزیون تماشا کنند و این خود دلایل زیاد دارد. بطور مثال گسترش خانواده و عدم امکانات مالی و... باعث ایجاد محدودیت در رفتن به سینما می شود.

ولی اوضاع همیشه چنین نیست و خواهیم دید بر خلاف این تصور که تلویزیون کلاً سینما را از رده خارج خواهد نمود، مردم دوباره تا حدودی تمایل رفتن به سینما را پیدا می کنند.^{۱۰}

۳- شروع همزیستی مسالمت آمیز بین تلویزیون و سینما (خوراک دهی سینما به تلویزیون و در نهایت بهره برداری سینما از تلویزیون).

بنابر این آنچه گذشت مشخص شد که پس از ظهور تلویزیون و کساد بازار فیلمهای سینمایی در سینمایك همزیستی مسالمت آمیز بین تلویزیون و سینما ایجاد شد.

در مورد پخش فیلم از طریق تلویزیون باید توجه داشت که تلویزیون نوعی اشتهای تمام نشدنی برای یافتن و پخش تولیدات خود دارد و همین امر موجب شده که دائماً دست بطرف سینما دراز کند.^{۱۱}

در پی گسترش تدریجی مراکز فرستنده تلویزیونی، طی سالهای متمادی ارزش و مقام سینما نیز دگرگون شد. فیلم بعنوان ماده اصلی برنامه ها مورد استفاده قرار گرفت. فیلمهای داستانی، کمدی، آموزشی بیشتر اوقات تلویزیون را در سرتاسر جهان فرا گرفت و این تماس و نزدیکی سینما و تلویزیون مسلماً برای صنعت سینما زیان آور نبود. مثلاً شرکتهای فیلمبرداری که ابتدا سوگند خورده بودند که تا پایان کار با تلویزیون به نبرد بپردازند، بتدریج به نفع تلویزیون وارد کار شدند. چنانچه در بخش اول آمد، با فروش فیلمهای ساخته شده پیش از سال ۱۹۴۸ به تلویزیون، میلیونها دلار به جیب زدند. قبلاً بازیگران سینما حق ظاهر شدن در

تلویزیون را نداشتند ولی این ممنوعیت بتدریج از بین رفت و کار به آنجا کشید که غالب شرکت‌های بزرگ فیلمبرداری فیلم‌های ویژه تلویزیون ساخته و کارگردانها و نویسندگان و ستارگان درجه يك خود را به کار گرفتند. بسیاری از استودیوهای کوچک کار خود را به ساختن فیلم برای تلویزیون محدود کردند.

تعداد استودیوهای مستقل و کوچک که سازنده فیلم‌های تلویزیونی بودند افزایش یافتند. در دهه پنجاه و اوایل دهه ۱۹۶۰ فیلم‌های سینمایی ۹۰ و ۱۲۰ دقیقه‌ای که در اختیار ایستگاه‌های تلویزیونی قرار می گرفت. بدلیل مدت زمان بلند فیلمها مشکل کمبود برنامه‌های تلویزیون را حل می کرد. از ۱۹۶۰ به بعد که استودیوهای بزرگ سینمایی ۴۸ فیلم بلند خود را به ایستگاه‌های تلویزیونی فروختند، تقریباً هفته‌ای يك یا دو شب از برنامه تلویزیونهای آمریکا به نمایش فیلم‌های سینمایی اختصاص یافت. طولی نکشید که کمبود فیلم‌های سینمایی احساس شد و کمپانی معروف ان-بی-سی در آمریکا از شرکت یونیورسال درخواست کرد که از سال ۱۹۶۶ به بعد فیلم‌های سینمایی مخصوص تلویزیون برای آن کمپانی بسازد و قرار شد بابت هر فیلم ۸۰۰ هزار دلار پردازد.^{۱۲}

تلویزیونهای ا-بی-سی و سی-بی-اس هر هفته را با دو برنامه سینمایی آغاز کردند. تلویزیون ان. بی. سی نیز با ایجاد برنامه سینمایی در ساعت ۸ بعد از ظهر بنام «امشب در سینما» جایگاه دیگری برای نمایش فیلم‌های سینمایی هالیوود در تلویزیون ایجاد کرد. در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ تعداد ساعات نمایش فیلم‌های سینمایی بیشتر شد.

در فرستنده ا. بی. سی چهار بار در هفته فیلم سینمایی پخش می شد و تلویزیون ان. بی. سی ۵ فیلم سینمایی برای هر هفته داشت. نمایش فیلم‌های



پرسشهای آماری نشان داد که میل به تماشای برنامه‌های تلویزیونی نسبت به برنامه‌های شو و سریالهای مختلف روز به روز تقلیل یافته است و گرایش شدیدی به سوی تماشای فیلم‌های سینمایی خوب به وجود آمده است.



سینمایی در تلویزیون شکاف میان سینما و تلویزیون را باریکتر نمود. در سالهای ۱۹۶۸-۶۹ مجموعاً ۱۴۱ فیلم سینمایی از سه فرستنده تلویزیونی بزرگ آمریکا پخش شد که کمتر از ۹۴ فیلم از این مجموعه در ۵ سال گذشته ساخته شده بود. در این میان فقط دو فیلم ساخته دهه چهل و یازده فیلم ساخته دهه پنجاه بود.^{۱۳} از این رو سبزی ناپذیری تلویزیون باعث ساخت سریالهای مختلف می شود تا هم متناسب با نیاز خواسته‌های تلویزیون باشد و هم سوئاپ اطمینانی برای ابقای شرکت‌های فیلمسازی. ولی این معادلات بسادگی قابل حل نیست. در سال ۱۹۶۸ مفهوم کاملاً جدیدی از فیلم و سینمای تلویزیونی مطرح شد. این قضیه در پاسخ به مشکلات ناشی از تهیه سریالهای تلویزیونی ایجاد شد. سفارش سریالها معمولاً برای حداقل سیزده و غالباً بیست و شش یا سی و نه قسمت بود، ولی پذیرش آن توسط بینندگان

با يك فيلم «راهگشا» یا «راهنما» میسر بود. اگر فیلم مورد توجه قرار نمی گرفت. کل سرمایه اولیه تهیه کننده از بین می رفت. فیلم یکساعته ای را که برای سینما مناسب نداشت و مورد قبول تلویزیون هم نمی باشد نمی توان کار سینمایی تلقی کرد و چون مورد قبول يك فرستنده تلویزیونی نیست شبکه به تهیه کننده پیشنهاد می کند که يك فیلم داستانی طولانی تر در اداء ۸۰۰ هزار دلار بسازد. اگر نتیجه کار موفقیت آمیز بود فوراً قراردادی در جهت يك مجموعه تلویزیونی با وی منعقد می کنند و اگر چنین نباشد، فقط چهار صد الی پانصد هزار دلار به وی می دهند. البته شبکه های تلویزیونی این فیلم را از طریق يك سینمای درجه ۲ نمایش داده و آنرا به ایستگاههای تلویزیونی محلی سه شبکه می فروشند و از این راه زیان خود را جبران می کنند.^{۱۳}

از زمانی که تقریباً پخش نمایش زنده کاملاً از تلویزیون محو گردید هالیوود بطور مستمر دارای کلیه عوامل معتمد تولید برای برنامه های تلویزیونی بود. در بعضی ایالات آمریکا مانند نیویورک، شیکاگو، سان فرانسیسکو فعالیتهای مشابهی در تولیدات فیلم تلویزیونی بعمل آمد ولی از نظر اقتصادی منابع قابل استفاده همچون صحنه های فیلمبرداری، افراد فنی کار آمد و متخصص و هنرمندان خلاق، هیچکدام به پای هالیوود نرسیدند و به این ترتیب تولید فیلمهای تلویزیونی که کار سود آوری بود بعنوان يك خط دوم فعالیت برای هالیوود تثبیت شد.^{۱۴}

بهر لحاظ نزدیک شدن سینما و تلویزیون بر اساس نیازهای طرفین برنامه ریزی شده بود. تلویزیون نمی توانست بدون فیلمهای داستانی به کار خود ادامه دهد و صنعت سینما پرده کوچک تلویزیون را بازار پر رونقی یافت. بدین ترتیب مسأله رقابت از میان رفت و همکاری پر ثمر آغاز شد.^{۱۵}

۴- نتایج این همزیستی (تولید فیلمهای ارزان و نتایج آن)

از آنچه گذشت میتوان نتیجه گرفت که شبکه های تلویزیونی نیاز به فیلم دارند ولی فیلم ارزان و از طرفی شرکتهای فیلمسازی جهت ادامه حیات بایستی خواه ناخواه این کار را تقبل نمایند و بپذیرند.

پس کاملاً بدیهی است که دیگر سینما بعنوان هنر در این چارچوب معنایی ندارد و کاملاً جنبه بازاری به خود میگیرد و دقیقاً ساخت فیلمهای بی بو و خاصیت و بدتر از آن مبتذل و خشونت بار شروع می شود. با در نظر گرفتن این نکته که تلویزیون خیلی راحت بیننده خود را می فریبند (بعلت جسوی که بیننده در آن بسر میبرد و توضیحی از آن ذکر شد) و این گفته مك لوهان که «وقتی يك فیلم سینمایی از تلویزیون پخش میشود به کلی تغییر ماهیت می دهد. و اینکه «تماشاگر هنگام تماشای پرده سینما عدم وابستگی عاطفی خود را نسبت به فیلم تا حدی حفظ می کند ولی تماشاگر تلویزیون خود بصورت پرده در می آید.»^{۱۶} دیگر کاملاً مشخص می گردد که يك فیلم مبتذل در تلویزیون تا چه حد اثر نامطلوب بخصوص روی قشر جوان جامعه می گذارد.

طی بیست سال اول فعالیت تلویزیون بیشتر فیلمهای نمایش داده شده از نوع بد، مبتذل و به اصطلاح بنجل بودند. این فیلمها غالباً برای نمایش در سینماها ساخته شده بود و تنها دلیل نمایش آنها در تلویزیون آن بود که بدست آوردن آن فیلمها آسانتر و قیمت آنها کمتر از يك فیلم معمولی بود. اگر در میان فیلمهای قدیمی يك اثر کلاسیک و ارزشمند هم به نمایش در می آمد که درخور توجه بود، بخاطر کوتاه بودن مدت فیلم و گاهی گنجاندن آگهی های تجارتي در لابلای آن ارزش خود را از دست

می داد. از سالهای دهه ۱۹۷۰ به تدریج کیفیت فیلمهای سینمایی تغییر یافت، فیلمهای جدیدی با محتوای آنچنانی که برای کلیه اعضای خانواده مناسب نداشت ساخته و از ایستگاههای تلویزیونی پخش شد. به عنوان مثال نمایش فیلمهایی چون قصه عشق، فارغ التحصیل و... که موجب بحثهای شدید گردید.

بعضی مراکز تلویزیونی مجبور شدند معیارهای اخلاقی ساختن فیلمهای سینمایی را تغییر دهند.^{۱۸} کلاً خشونت و سکس چار چوب اصلی اینگونه فیلمها را تشکیل می داد. البته فقط این ابتذال در این بعد نبود، ابعاد دیگری نیز داشت مثل ترسهای ذهنی و... در فیلمهای تلویزیونی دیگر مسئله هنر سینما هرگز مطرح نبود.

همینکه سینمای وسترن از ابتدای کنار تلویزیون یکی از عناصر تشکیل دهنده برنامه های مردم پسند آن چه در ایالات متحده و چه در سراسر جهان شد.^{۱۹} خود نشاندهنده بسیاری از مسائل است. وقتی که مسأله اصلی شبکه ها، جذب تماشاچی و ارائه برنامه های متنوع و جذاب باشد و اصلاً رسالت هنرمند فراموش شود، باید منتظر این عواقب شوم نیز بود.

۵- و آوردن تدریجی مردم به سینما

آنچه از ابتدای پیدایش تلویزیون بر می آمد، این بود که بزودی این وسیله با صفحه کوچکش، پرده عریض و طویل سینما را برای همیشه در خود می گنجاند و دیگر سینمایی وجود نخواهد داشت، چه آمار و ارقام روز به روز سیر صعودی خرید تلویزیون و گرایش به برنامه های تلویزیونی و سیر نزولی میزان تماشاگران سینما را نشان می داد.

اما با این وجود آنچه انتظار می رفت نشد و سینما نه تنها از بین نرفت، بلکه در برخی نقاط جهان دقیقاً

عکس آنچه پیش بینی می شد رخ داد. سینما نمرود و به زندگی خود که زمانی را در بیماری بسر می برد ادامه داد.

حال در این امر چه چیزهایی دخیل بودند قابل تأمل است. آنچه در ذیل می آید بدون تردید در این امر نقش داشته است.

- ارائه برنامه های بسیار معمولی و بخصوص تب فیلمهای تکراری.

- پخش آگهی های مربوط به فیلمهای سینمایی.

- برخی اعمال سیاستها و چندین عامل دیگر.

با وجودیکه تلویزیون توانست سینما را با پرده کوچکتر ارائه نماید ولی اکثر مردم می خواستند که برای گذراندن چند ساعت از منزل خارج شوند، خانه و مشکلات و مسائل یکنواخت را فراموش کرده و در سینماها بنشینند. البته در جمع شرکت داشتن و از خانه بیرون شدن و از همه مهمتر بزرگتر بودن پرده سینما برتری سینما را به تلویزیون نشان می دهد.

یک سوم تماشاگران تلویزیون برای تماشای فیلمهایی که در تلویزیون معرفی می شوند به سینماها می روند. اکثریت تماشاگرانی که در ماههای اول بعد از خرید تلویزیون به سینما نمی روند پس از مدتی دوباره به سالنهای سینما باز می گردند.^{۲۱}

عده ای از تماشاگران می گویند تلویزیون نمی تواند جانشین سینما بشود، زیرا در سینما امکان تماشای فیلمهای جدید بیشتر از تلویزیون است مضافاً فیلمهای سینمایی رنگی و بر پرده بزرگ بنمایش در می آید.^{۲۲}

پرسشهای آماری که بعداً بدست آمد نشان داد که میل به تماشای برنامه های تلویزیونی نسبت به برنامه های شو و سریالهای مختلف روز به روز تقلیل یافته است و گرایش شدیدی به سوی تماشای فیلمهای سینمایی خوب بوجود آمده است.^{۲۳}

در سالهای دههٔ هفتاد ناگهان رقم آمار بدست آمده کاهش عظیم بینندگان فیلم تلویزیونی را نشان داد. از مجموعه ۳۰ برنامهٔ تلویزیونی که رکورد بهترین و محبوبترین برنامه‌ها را داشتند فیلمهای سینمایی امتیازی کسب نکرد، و در مجموع در طول يك سال نمایش ۱۲۰ فیلم نسبت به سال گذشته کاهش پیدا کرد و در صد فیلمهای تکراری نیز کم نبود و گاهی فیلمی را چهار بار نمایش می دادند. بعداً بتدریج در

سال ۱۹۷۱ رقم کل فیلمهای نمایش داده شده به ۷۶ فیلم رسید. این کاهش حاکی از گرایش مجدد بیشتر بینندگان به سالنهای سینما بود. ۳۳

آگهیهای مربوط به فیلمهای سینمایی، از طریق تلویزیون، از طرفی منبع در آمدی برای تلویزیون بود ولی خود این مسئله باعث جذب افراد کثیری از مردم به طرف سینماها بود، همان مردمی که در تلویزیون اکثراً مواجه با فیلمهای تکراری و معمولی بودند.



□ هنرپیشگان فیلم «ماجرای نیمروز» در زمان استراحت میان فیلمبرداری تلویزیون تماشا می کنند

از سوی دیگر یک سری اعمال سیاست ها و نظراتها از سوی مسئولین هر کشور، خود باعث افزایش بینندگان سینما شد. در کشورهای اروپائی بر خلاف آمریکا که تلویزیون ظرف ۱۸ ماه پس از نخستین نمایش فیلم می تواند فیلم سینمایی را نمایش دهد، محدودیتهای زیادی در نمایش فیلم از تلویزیون وجود دارد. در انگلستان و فرانسه تلویزیون می تواند بعد از ۵ سال از گذشت اکران عمومی یک فیلم سینمایی، آن را نمایش دهد. در گذشته این مدت در انگلستان به دهسال می رسید، در کشور ایتالیا که صنعت سینما رونق دارد تعداد ۱۰۰۰۰ سینما بکار مشغولند دو کانال تلویزیونی موجود اجازه ندارند، در آخر هفته فیلمی را به نمایش بگذارند و فقط هفته‌ای یک برنامه سینمایی دارند. در کشور فرانسه فیلمهای سینمایی که در سه کانال تلویزیونی به نمایش در می آیند. نباید بیش از ده درصد برنامه‌ها را در بر گیرند و هیچکدام حق ندارند که فیلمهای سینمایی را در تعطیلات آخر هفته بنمایش گذارند و در میان فیلمهای نمایش داده شده در تلویزیون حداقل پنجاه درصد می بایستی تولیدات داخلی باشد.^{۲۵}

در ژانویه سال ۱۹۷۰ یکی از مسئولین تلویزیون در آمریکا اعلام داشت: که ذخائر فیلمهای سینمایی که در اختیار تلویزیون می باشد، روبه کاهش است و مسلماً نمی تواند در آینده پاسخ تقاضای بینندگان را بدهد. تعداد فیلمهای تکراری بتدریج روبه افزایش بود. این مسئله در مورد فیلمهای موفق و جالب گذشته که مکرراً بر پرده کوچک ظاهر می شوند بیشتر بچشم می خورد.^{۲۶}

بهر لحاظ تمام این عوامل و عوامل دیگر که بستگی به محیطهای اجتماعی کشورهای مختلف داشت باعث شد تا هر روزه تعداد تماشاگران سینما روبه افزایش رود.

۶- در ایران

ورود فیلم سینمایی به تلویزیون در ایران بجز مسیر مشترکی که مطابق با سایر نقاط دنیا داشته در یک مورد نیز از ویژگیهای خاص این مرز و بوم برخوردار بوده است. می دانیم که سینمای فارسی هرگز حتی در سالهای دور نتوانست پا به پای فیلمهای خارجی توجه مردم را به خود جلب نماید. ورود تلویزیون به ایران همراه بود با نمایش یک سری از فیلمهای سینمایی قدیمی که تعدادی از آنها توسط بخش خصوصی در اختیار تلویزیون ملی ایران گذاشته می شد و مقداری نیز از خارج وارد می گردید. اصولاً نظر به اینکه رژیم گذشته وسایل ارتباط جمعی به ویژه سینما و تلویزیون را صرفاً جهت سرگرمی و تخریب عمومی بکار می گرفت و برنامه‌های سینمایی صرفاً جهت پر کردن اوقات فراغت صاحبان دستگاههای تلویزیون در جهت منافع تجارتي صاحبان کالا ایجاد می گردید، فیلمهای سینمایی که طی این سالها یعنی حدوداً از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۹ (که تلویزیون دولتی ایجاد گردید) در کاتال ۳ تلویزیون ملی ایران بنمایش در می آمد، غالباً ملودرامهای خانوادگی، کمدی، وسترن و پلیسی جنایی و گاهی نیز فیلمهای جنگی بود. مسئله محتوای فیلمها اهمیت چندانی نداشت و استقبال مردم از این دست فیلمها، بعنوان یک کار تازه و جالب توجه سینمایی که در منزل و با راحتی خیال می دیدند بی سابقه بود.

غالب کسانی که سالها به سینما نرفته بودند علتی برای نرفتن به سینما داشتند و بالاخره کسانی که با سینما آشنا نبودند با این سینما در منازل خود و از طریق پرده کوچک تلویزیون آشنا شدند. ولی نکته مهم در این است که هدف خاصی دنبال نشد و مدت‌ها حتی در مطبوعات و رسانه‌های آنزمان بی هدفی و عدم وجود برنامه‌ریزی سینمایی در تلویزیون مطرح و

همچو گناه راه حیل مناسب و عملی بدست نیامد. توضیحاتی که قبل از نمایش فیلمهای سینمایی داده میشود کافی نبود و گاهی حتی فقط به اعلام برنامه بسنده میشد.

در سازمان تلویزیون دولتی نشکیلاتی بنام آرشیو فیلم ایجاد گردید و طی سالهای قبل از انقلاب اقدام به خرید و عقد قرارداد در مورد استفاده از فیلمهای سینمایی با کمپانیهای بزرگ اروپا و آمریکا گردید. آنچه مسلم است بجز چند برنامه از قبل تنظیم شده که به معرفی کارگردانها و سبک های سینمایی می پرداخت، برنامه تثبیت شده ای که بتواند خط ویژه ای را در آموزش سینمایی از طریق فیلم سینمایی که در بالا بردن دانش سینما و گستردگی این فن مؤثر باشد ارائه نگردید. بهمین ترتیب سازمان انقلاب اسلامی صرفاً در جهت سرگرم نگه داشتن و جلب توجه بینندگان هفته ای دو الی سه بار فیلم سینمایی پخش می شد.

پس از انقلاب اسلامی دو سال اول بواسطه ناهماهنگی اساسی در پخش فیلم سینمایی وضعیت و اساس مشخصی وجود نداشت. ولی هرگز انظوری که باید موقعیتی پیش نیامد که این تفریح سالم در کنار یک محتوای آموزنده ارائه شود.

فیلمهای سینمایی غالباً از کشورهای خاصی مثل ژاپن یا هند انتخاب میشد، که بجز معده بی آسار کلاسیک و ارزشمند نه نکته ای سینمایی مفیدی را عرضه میکنند و نه محتوای فیلمها در سطح بالایی قرار دارند. در صورتیکه می توان با برنامه ریزی صحیح فیلمهای موجود در آرشیور را که متناسب و معقول و مخرب اندیشه نباشد پخش کرد. چرا فیلمسازی را در حدی بالاتر پذیریم و فرهنگ انقلاب اسلامی خود را از طریق تصویر نفوذ نکنیم. سینما و تلویزیون در حقیقت دو رسانه گروهمی قدرتند با نفوذ و مؤثر بر

ساخت و یافته فرم نگینی جوامع دنیا بوده و اگر به خوبی و از طریق صحیح و با هدف مشخصی بکار گرفته شوند، می توانند بسیار مفیدتر واقع شوند. نظریه اهمیت فیلم سینمایی از نظر نفوذ و تأثیر کیفی بیشتر، نقش مهمتر آن از طریق پخش بر پرده کوچک تلویزیون آشکارتر می شود.^{۲۷}



پاورقی

۱. مجله سروش، شماره ۲۵۰
۲. جامه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ژان کازانوو، ترجمه سارونجانی - محسنی.
۳. جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی
۴. سروش شماره ۲۲۵
۵. سروش شماره ۲۴۵
۶. تلویزیون در خانواده و جامعه نو، انریک مانو، مارتینز، ترجمه جمالیان احمد.
۷. جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی
۸. کتب آمارها از کتاب تلویزیون در خانواده و جامعه نو
۹. تلویزیون در خانواده و جامعه نو
۱۰. تلویزیون در خانواده و جامعه نو
۱۱. سروش شماره ۲۴۵
۱۲. سروش شماره ۲۴۶
۱۳. سروش شماره ۲۵۰
۱۴. سروش شماره ۲۵۱
۱۵. سروش شماره ۲۴۹
۱۶. سروش شماره ۲۵۰
۱۷. قدرت تلویزیون
۱۸. سروش شماره ۲۴۶
۱۹. سروش شماره ۲۴۷
۲۰. سروش شماره ۲۴۶
۲۱. سروش شماره ۲۴۹
۲۲. سروش شماره ۲۴۹
۲۳. سروش شماره ۲۵۰
۲۴. سروش شماره ۲۵۰
۲۵. سروش شماره ۲۴۵
۲۶. سروش شماره ۲۵۰
۲۷. سروش شماره ۲۵۲

از سری مقالات سیمینار تلویزیون نوشته های ابوالحسن علوی طباطبائی